

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آقا شیخ یحیی کاشانی

مهر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ فران
سایر بلاد داخله ۳۵ فران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه هاشمی است

قیمت اعلان مطری

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شعبه ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۰ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۹ زویه ۱۹۰۷ میلادی

ترجمه از شماره ۱۲۹ روزنامه (کاسبی)

(روسی منطبقه باد کوبه بتاریخ چهاردهم ماه)

(ایون مطابق بازدهم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵)

از فرار مخایره تلکرافای از طهران بروز نامه
(روس) در باب انقلابات قطعه ماکو معلوم است که
این اوقات وضع آنسامان خیلی مشکوش و تمام اعوان و
انصار مرتضی قلیخان بر سر رعایا ریخته و مشغول غارت
و تاخت و تازند صدای تیر فشک در شهر ماکو کوشش را
کر ساخته و خان مذکور بمعاونت و مساعدت اکراد به
تخریب قراء و نهب اموال رعیت پرداخته است عجلنا اهالی
منتظرند تا دودسته سرباز و شش عراده توپ از تبریز برسد
وقایع نکار مخصوص ما در اینباب چنین مینویسد
که از اول ایون ماه (مطابق ۲ ج ۱) تا امروز تیلات بسر
کردگی چوچی خان که داماد مرتضی قلیخان است و بنی
عمش رحمت الله خان قراء ذیل را غارت و خراب کرده اند:
قرازیادین - کاسیان - باستان - هوتلو -
فارول - چارناچ - اغدش - بایداموش -

کازتولکی - انیچرل - قورناو - قبان باسانلار
- حاجیلر و غیره و غیره اهالی قراء مذکور را
ببیر از خسارات مالی تعدیات وحشیانه و ظلمهای فوق
الطافه انسانی وارد آمده است مثلا مردها را شقه کرده اند
پستان زنهارا بریده اند اطفال را برود خانه زنگی
بار انداخته اند... به بینید مرتضی قلیخان با اقراننش چه
تعدیات وحشیانه و ظلمهای بربرانه مینماید. هلمواسادات را
مرتضی قلیخان از خاک ایران تبعید می کند یارچه عمایم
ایشان را مابین اکراد تقسیم کرده و بجای عماله کلامبر

سرشان میکندارد هر که اسم انجمن بزبان آورد زبانش را
میبرد از این قبیل اشخاص زبان بریده بسیار است این شرح
را که مینگارم الساعه دو نفر موثقین اهل ماکو که
یهلوی میز من نشسته اند و من معرفت کامل در حق ایشان
دارم باچشمهای کریان و جگرهای سوزان حکایت می
کنند و عاجزانه التماس و التجا مینمایند که چون تلکراف
و پست در کا نیست و هیچوجه دست رس بجائی ندارند
اینجانب از وقایع ماکو مسلمانان جهان را مطلع سازم
الامان الامان کویان از هموطنان وهم مذهبیان خودشان
بعجز ولا به علاج میخواهند! علاج!

عقدہ دل و درد مخصوص این اشخاص از انجاست
که جمعی باتذکره در دست بخاک روسیه هجرت نموده و
از بابت بار وحشم و غنم خودشان پول کمک را پرداخته
و بقراء و واحی خاک روسیه پناه برده هر کدام در محلی
اقامت گزیده ولی فاصله ده روز بحکم حکومت ایروان
تمام این مهاجرین را رئیس پلیس باده نفر فرانش (پلیس) مجبور
کرده اند که دوباره بازن و بچه معاودت ماکو نمایند این است
وقایع مملکتی ایران در دوره مشروطیت انضاء تبعروس

جبل المتین

ایکش سالها مرده بودیم و این روز کار رانندیده
و این وقایع جان گداز را که عالم اسلامت را ماتم زده
و روان صاحب حریت را افسرد کرده نمیشدیم
یالیت بوسیده هده و خاک راه گردیده بودیم و این
حوادث را مطلع نمیشدیم. این چه قیامت عظمی است
که در صفحه مملکت بر پا شده مگر این ضحطاه از دین
اسلام خارج هده و ازین گمی خداوند بیرون رفته

اند که سزاوار این همه مصیبت گشته ، ای برادران
مظلوم ای شهداء همشیر جفا جانمهای نافرمان ما فدای
مظلومی و بیچارگی شما باد دریغ از آن جوانان که
از ضرب خنجر بیدادریز ریزه دهند اسوس از آن زنهای
پاغت که با تیغ بیرحمی قطعه قطعه گشتند حیث
از آن اطفال معصوم که هنوز درست چشم باز نکرده
و تماشای عالمرا ننموده باین خولین بمال قبر شناختند
بزرگ خداوندنا باچه زبان بدر گاه کبریائیت اظهار
درمانده گمی و ناتوانی خود را عرضه بداریم آتش بفرست
که همگی را یگبار بسوزاند و عالم را از ننگ این وجود
های ناباک پاک سازد قطعه ایران کاش مسکن سیاع ضاربه
و وحوش بیابان بود کاش آب فرو گرفته و جملگی را
شره بحر فنا ساخته بود که اهش ننگ عالمیان نمیشدند
مایک مشت دل شکستگان یکسیناهی جز در گاه خداوند
نداریم و در زیر چنگال این بلکن خون آشام راه چاره
نمیدانیم کجا است عدل الهی که جزاء این گروه نابکار
خون آشام را در کنار نهد چه شد آن قهار بقدر که در
یک لحظه همه ستمکاران را مدموم سازد

خدا میداند قام در دستم میلرزد و اشک از چشمانم
متصل جاری و سوزش درون نمیگذارد کلمه بنویسم و
انقلاب باطن چنان حواس را بریشان کرده که قدرت نوشتن
باقی نمانده است انسان متحیر است نام این حرکات را
چه بگذارد و بیچه چیز تشبیه کند از کجا بنالد و از دست
کدام شخص فریاد برکشد و با کدام ظالم طرفی عود -
آیا این محرکین نامرد خدائی قائل نیستند حشر و
فشری اعتقاد ندارند در دل هان یک ذره رحم و احسانی
خلق نشده هیچ فکر نمیکنند که ممکن است روزی اولاد
و عیال شان بهمین روز سیاه بنشینند آیا همیشه یزیدهای
پلید در دنیا خواهند بود آیا موقع انتقام نخواهد رسید
آیا دهر همواره با آنها مساعد خواهد بود - گیرم که
این مردم سنگ و گریه هستند آخر باسک و گریه کسی این
طور رفتار کرده و با حیوانات ایرسم سلوک نموده است
باز هم روا است محض دراهم بخش تعریف و تمجید
کنید و ذره بحال فلاکت برادران وطن متوجه نشوید
مگر مال دنیا چه قدر قابلیت دارد - دیگر برای خاطر
خدا و گرمی قیامت فکری برای ملت از دست رفته در
خون طیبیده فرزندان گشته فرمائید و نقطه اختلال
را رفع و دفع بنمائید

اللهم انا لشکر الیک فقد نبینا و غیبت ولینا و للة
هدنا و کثرة عدونا . . .

- خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری -

(یکشنبه ۲۵ مهر جمادی الاولی)

تلکرامی از کمالشاه قرائت شد قریب باینه مضمون که
اهالی کرمانشاه بحرفی گسیکه از حجج اسلام و مجلس
مقدس رو برگردانیده اغتصابی نخواهند کرد و بهیچ
وجه تلکرامی شیخ فضل الله را قابل ملاحظه نخواهند
دانست و بحمد الله از مساعدت و همراهی ظهیر الدوله
اغتشافات و خدشات سابق کرمانشاه اصلاح خواهد شد
تلکرامی از استرآباد قرائت شد که مخالفت هیخ
قابل نبوده و نیست و در نزد اهل استرآباد اهمیتی نداشته
و ندارد و حالات ایشان را از سابق میدانستیم (و من لم
یجمل الله لورا فما له من نور) (انما جزاء الذین
یحاربون الله و رسوله ویسعون فی الارض الخ) اینگونه
اشخاص را باید بیدترین مجازات و سیاسات رسانید تا
عبرت سایرین بشود (انجمن عامی استرآباد)

تلکرامی از زنجان قرائت شد که آخوند ملاقر بانعلی
آمدند بانجمن محض تبریک و برای قدوم ایشان قربانیا
هدیه گفتند این انجمنی است که دستجات او درست
کرده اند و بعد از کشتن حکومت و آن کارها باین
انجمن آمد که برضد انجمن محلی است

بعد از ورود هیئت وزرا از وزارت داخله سؤال از زمانه
و اغتشاش ولایات شده باره را بعضی جوابهای غیر مرضی
و ظفره آمیز دادند و مثل از قبیل زنجان که مشغول بکرفتن اهرار
و تویچی هستند و اردیل قرار شد رشید الملک اصلاح
نماید و در کابینه نواحی آذربایجان الشالله بعد از تعیین
حکومت کاملی ولایت اصلاح خواهد شد و مسئله عراق
بخواندن چند تلگرافی که حاجی آقا محسن مشغول فساد
و قتل و غارت و مصصام الممالک که مامور حرکت است و ارده
هیر بایست قزاق که از بروجرده آمدند اسکر ماموریت
سخت داشته باشیم بیاوریم و کمک او را حرکت میدهیم
و باره اظهارات که هر طور مجلس بگوید عمل
خواهد شد هدین دوسه روزه حرکت خواهد کرد
بمدار مذاکرات هراین موارد جزئیه جناب آسای
قی زاده و بعضی از وکلاء اظهار داشتند که قانون در
همه جای عالم اینست که وکلا باوزرا مباحثه و اعتراضات
می نمایند تا هر یک مطلب را بر دیگری مدلل دارد
مانندگوتیم که باید چشم بر روی هم گذاشته از وزیر داخله امنیت کابینه
بلاذ را بخواهیم و هیچ نیاید اقدامات جزئیه خود را هر
هیچ مواردی ارائه کند اگر محض وزیر داخله با تمام استمداد
خود و وظل و کفایتی که میکنند دارد در صد برآمدو کاری از او
ساخته نشد باید فوراً بموجب قانون استفا بدهد تا دیگری بجای
او برقرار شود هر گاه کفایت وزیر داخله همین است که بروزه داده باز
باید استفا بدهد بجای ایشان دیگری تعیین خود را که او هم
از قریب استفا بدهد و قانون مسئولیت خود را قدم کردی کرد

مفيد واقع نشد باز بايد اشخص كنار نمايد همبطور تامنظم و اصلاح شود و اسكر مائى در پيش دارد بايد اظهار نمايد تا رفع كنده اينكه بسامحه بگذارند منى بينيم نه در پاى تخت مستدين و مخالفين علم مخالفت را بدم ميكند و تمام هواى دولت در اينجا موجود است مذكلك اهدايج ادمى نميشود بلكه مدد و اعانه ركك و همه قسم همراهى ميشود و همچنين هر جا نيكه بر ضرر دولت صدامى بلند شد بزودى در صده بر آمده رفع مى نمايند مثل سالار الدوله ولى از اين طرف اگر هزار قتل بشود و عرض و ناموس مردم بيباد برود ميگريند هيج خبر نداشتيم البته اقدامات لازمه خواهد شد و بعد از دو ماه همان حرف اول گفته ميشود بعضى از وكلا اظهار داغند كه آنچه تصور ميشود و منتهى ميشود مطلب مان اينست كه قلب اعلى حضرت هميونى بواسطه وساوس چند نفر كه در اطراف هستند با مجلس همراه نيست و اين همه ناانديشه و اغتشاهات بواسطه همين يك نكته است و حل اين عقده هم بدست وزارت اكر در حقيقت چنين است كه هست خوبست بيش از اين اسباب سرگردانى ملت نباشيم و تكليف خودشان را بدانند و اكر ميشود كه آن اشخاص مررا طرد و قلب مبارك اعلى حضرت را همراه نموده آنهم بلا درنگ وزرا در صدد برآيند در هر حال ملت را بيش از اين صبر و تحمل نيست و سلطت هم زياده از اين در خطر است بهماز مذاكرات زياد گفته شد كه انشاء الله قلب مبارك اعلى حضرت هم همراه و اين موانع هم رفع و همه كارها بتدريج و بوتقش اصلاح خواهد شد !!!

مذاكره از وزير جنگ بميان آمد گفته شد تا هوسه روز ديگر معين و معلوم خواهد شد (مجلس بى نتيجه ختم شد)

مكتوب يكي از فضلا

(ماشيخ و زاهد كثر شناسيم)

(يا عدل و انصاف يا قسه کوتاه)
 صاحبان جرأت عرصى مرقوم نموده در اختلال مملكت و اختلاى كمة ملت و معين نمودند اعضا صيرا كه مخلفند به اساس ممدت عقیده بنده اين است كه بايد علت پيشرفت اخلاصا پيدا كرد و تمين مخلف چندان مهم نيست و مقدمه ميگويم كه هر امرى كه واقع ميشود ناجار علتى دارد و اگر بخواهيم واقع نشود بايد علت را منع كنيم مثلا اگر كسى قتل نفس ميكند بواسطه آلت قتاله است و اسباب داخلى مزاجش مداخلت ندارد در قتل بايد آلت قتاله را از او اخذ كنيم تا قتل واقع نشود و الا طور ديگر ممنوع نميشود و بالجملة مداخلت اسباب

قابل انكار نيست و بعد از اين مقدمه ميگويم بر فرض اعضا خاص معينرا در صده دفع برآمده و چاره نموديم لكن نوع مستبد بجاي خود باقيست دو روز ديگر آلت قتاله مشروطيت را اعضا خاص ديكرى بدست گرفته اسباب اختلاى ملت كمة خواهند شد پس لازمست كه او معين خود و در علاجش كوشش شود عقیده ما اين است كه آلت قتاله مشروطيت و علت پيشرفت مقاصد مستبدين جهل ملت است كه هنوز نمى دانند انقاد مجلس محترم از براى چه مقصد است و تصور ميكند كه عقرب مجلس حكم ميكند كه نماز صبح بنسخ ياروزه نيايد گرفت جهل ملت است كه تا مستبد ميگويد اسلام رفت و مذهب فاسد شد فوري تصديق ميكند و تصور نميكند كه مستبد يا صاحب تيول بوده يار شوه گير يا مفت خور و عرضش از رفتن اسلام رفتن تيول و مثل اوست در اين خصوص حكايى عرض كنم يكى از دوستان كه از هوا خاها ن مشروطيت و جان نثاران ممدت و از آغاز اين مقصد تا كتون بقدر وسع خود همه طور همراهى دارند دليلى نقل كردند از مستبدى بر مخالفت مشروطه با اسلام كه عين عبارتش اين است واقعا اين مجلس و مشروطه بازي عقايد مرد مرا ست کرده و بزوهى اسلام ميرود مشروطه خواهان منكر ديو شدند و ميگويند ديو دروغست ما مسلمانان بايد غيرت كنيم و اين اساسا بر هم زويم و كم كم منكر شاه پريان خواهند شد تمام شد مزخرفش چه عرض كنم بدخلى ماملت بيش از اينهاست كدام را بگويم مثل آنكه مستبد ديكر بر جریده فریده حبل المتين ادم الله ايام افاضاته كه عنصر ممدت و مزاج مشروطه را بمنزله حافظ الصحه هست اعتراض وارد کرده در شماره ۵۳ كه چنين مسطور است مردمان جاهل همه چه ميدانند كه ذلت و فقر لازمه اسلامست صورت اعتراض كلاميرا كه حضرت فرمودند در حديث هريف الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر حبل المتين نسبت بجهال ميدهد بايد فكري كرد كه اين مزخرفات موقوف خود و بالجملة ما كفتيم نداشتى معنى حديث را مراد اين است كه مؤمن در قيد مذهب و در بند قانون است و كافر در قيد قانون نميرود و مستبد است اخر بجه دليل مسلم بايد دليل باهد بكدام دليل دنيا قابل اعتناء نيست كدام پيمبر فرموده كه دنيا را فاسد كنيد و مملكت را خراب و دور هم اجتماع كنيد و اين قدر سخن در مذمت دنيا بگوئيد تا زنده كاني مردم را بر هم زويد و من لامعش له لا معاد له را فراموش كنيد و بالجملة بايد از سر حد جهل حرکت كرد باقلم علم كه مطلب ضرورى خود جاي التاه شبهه باقى نمايد ظير علم به اينكه حاصل ضرب عدد ۲ در ۲

ساویست باده که تمام مستی و غیر مستی اجماع کنند و در میدان مشق چادر بزنند که اختلال کلمه حاصل هود محالست و اگر به همین درجه از وضوح جناب مستطاب حاج آخوند رستم اباهی که واقعا عادل و زاهد هستند میدانستند مقصود از مجلس چیست و تصور کرده بودند سلطنت مشروطه را و مطلع بودند از تاریخ اسلامی بدون شك می گفتند افامه مجلس ملی واجب و مخالف او مخالف اسلامت با لجمه چند روزی است که جهل ملت داره سم خود را میریزد و نزدیک است اختلاف کلمه حاصل شود در بزرگترین اصول مشروطه که قانون مساوات است و ما قطع نظر کنیم از غیرین عدن عبارات و مسجع شدن کلمات و رای خود را عرضه میداریم به بیان روغنی که در خور فهم هر کس باشد اولاً عرضه میداریم که احکام شرعیه واجب مشروطند نسبت به اموری که از آن جمله قدرست یعنی هر حکمی در صورت بی قدرتی تغییر پذیر است مثل نماز نشسته در وقت عجز از قیام و امروزه با قوت دول اجانب و ضعف خودمان قدرت نداریم که رعایا و تبمه خارجه را محکوم کنیم بدم مساوات و قضیه الضرورات تبيح المحذورات و سایر آیات و روایات بدرجه واضح است که لازم ذکر نیست و ثانیاً حکم تمام عقلاء و جمیع انبیاء این است که اگر امری دارای خیر کثیر باشد واجب است انباشت آن که چه در ضمن شرقلیلی واقع شود حضرت حق بارانرا قطع نمیکند و مزارعرا فاسد نمیکند بواسطه آنکه از باران يك دیوار و اطباق خراب میشود و از همین قبیل است مشروطیت اگر محذوری لازم آید امروزه مملکت مریض است و اطباء حاذق علاجش را منحصر به مساوات میدانند حال با کمال بی غرضی از آقای حاجی شیخ فضل الله سؤال واستفسار میکنم که اگر یکی از خدمه شما علاجش نشود جز بشارب مسلم تجویز خواهید نمود مملکترا فرض کنید خادم و نوکر خودتان و این قدر اشکال نفرمائید و راضی نشوید ما دوچار اجانب شویم و اگر سخنان ما را نمی پذیرید وآء مملکت اثر ندارد که میگوید (می خوردن رندان را ترتیب خوشست اما من کشته تر مسافری این فاعده برهم زن) و زود شراب مساوات را بده که خماری مرا کشت آنوقت که مایوس شدیم میگوئیم ما بد بخت ملت کمتر از مورچه نیستیم میخواستیم حفظ آذوقه کنیم کمتر از گنجشک نیستیم میخواستیم لانه خود را طوری قرار دهیم که از موزیات محفوظ باشیم والله اگر موش و گربه قبا و عبا لازم داشتند درست میکردند آیا مقصود محض کثرت احتیاج در زندگانی

و از حیوانات کمترین حال که اینطور است محتاج به اجازه شما نیستیم (اقل الطلبة حاج شیخ اسمعیل طهرانی)

مکتوب یکی از هموطنان

از شنیدن اینکه حضرت والا شاهزاده فرمانفرما وزیر عدلیه اعظم بسمت فرمانفرمائی خاك پاك اذربایجان مقرر و منصوب شده اند ملول شدم ، اگر چه از انجائیگی آذر بایجانیان سزاوار و آرزومند چنان حکمران مهربان بافر و دادی هستند و هر نعمتی که بمردم آنجا بخشوده شود جای چون و چرا نیست ولی به پنداریم که آنها نیز راحت خود را برنج دیگران رجحان دهند زیرا بودن حضرت معظم والا در طهران و برمسند وزارت عدلیه با آن اقدامات همدانه خیر خواهانه که از معظم الیه مشهود خاص و عام شده رحمتی است بر جمله اهل ایران لاکن از رفتن بمحلی مخصوص دیگران محروم و مایوس خواهند ماند نمیدانم خیر خواهان و مال اندیشان مجلس مقدس شورای ملی که پیوسته در صدد تعیین وزیر موافق هستند چگونه راضی خواهند شد که چشم از تغیر چنین وزیر که تا کنون وزارت عدلیه امتحانات بیقرضانه خود را بوجه احسن که موجب ترضیه خاص و عام است داده که پایه خواهند پوشید و باختلال اوضاع عدلیه که نخستین پایه مردم داری و مملکت آرائی است راضی خواهند شد و در بقا که این تغیر میسر گردد عما قریب امر وزارت خانه که رئیس آن بخواد موافق وظیفه خود عمل نماید با ستمهای کونا کون تغیر خواهند داد تا اوضاع همواره بخنل و امور مملکت پریشان و حقوق مظلومین پایمال شود جراید مقدسه چرا باید ساکت و صامت باشند دریغ و افسوس که روزگار دست از غداری بر نمیدارد و هنوز بخت خفته ایرانیان آماده بیداری کامل نمیشود

(باز هم مگر لطف شما پیش نهد کامی چند)

از ما است عرض کردن و از آن اداره مقدسه است تجزیه حقیقت و غرض را نمودن خیر الکلام قل و دل (اقل خیر خواهك ش. کرمانی)

اعلان

انجمن خیریه عشق آباد معلمی خواسته اند که در تعلیمات ابتدائیه طرز جدید بصیر باشد بیکدرجه هم زبان ترکی بدانند در هندسه و جغرافیا و تاریخ خیرت کامله داشته باشد داوطلبانرا اطلاع و اخطار میشود که در مدرسه حیات جاویده حاج میرزا حسن مدیر معروف بر هدیه رجوع نمایند

حسن الضیعی الکاشانی